



صفحه ۴

رهائی

دوره سوم

نیمه دوم اسفند ۱۳۶۶

دور جدید جنگ شهرها و عمق استیصال رژیم جمهوری اسلامی

با آغاز سال ۱۳۶۷، بیش از ۹ سال از پیروزی قیام بهمن و به حاکمیت رسیدن رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی میگذرد. از این مدت، هفت سال ونیم آن در جنگی بی سرانجام و خانسمان برانداز و ارتجاعی بین رژیم های ایران و عراق سپری شده جنگی که در این سالها عملا سایر رویدادهای سیاسی را در ایران تحت الشعاع خود داشته است. جنگ ارتجاعی دو رژیم ایران و عراق که هر یک، بنابه محالهی که برای استمرار حاکمیت آنها ضروری بوده، در آغاز و ادامه ی آن سهم بوده اند، فراز و نشیب های مختلفی را پشت سر گذاشته است. در عین حال اما، در طول هفت سال ونیم جنگ با عراق، يك عنصر از لحاظ رژیم اسلامی، ثابت بوده است. و آن گره کوری است که باز کردن آن برای رژیم هر روز مشکل تر شده است. تا جائیکه امروز دیگر حتی "امداد های غیبی" و ارتباطات نائب امام یا امام غایب نیز سرازه حلی برای فرار از این معضل ارائه نمیدهند.

تا چندی پیش جنگ، که رسما يك برکت الهی خوانده میشد و با و سرایان رژیم در شعارش "خبرات و برکات" آن با یکدیگر مسابقه گذاشته بودند، مهمترین عاملی برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات متعدد داخلی رژیم بود. هرناتوانی و ندانم کاری، هر شکست و ابتدالی با بهانه ی جنگ، توطئه های دشمنان خارجی و دشمنان دین مبین سرپوش گذاشته میشد و هر صدای مخالفی به این بهانه سرکوب میگردد و در عین حال سخن از برکات آن میرفت. ولی مدتی است که دیگر نه تنها سخنی از برکات جنگ برده نمیشود، بلکه همان کسانی که تا دیروز آنرا منشاء "تحولاتی چشمگیر" برای "انقلاب جهانی اسلامی" میدانستند، مستقیم و غیرمستقیم اشاراتی به ناکامی های ناشی از جنگ میکنند. از یکسال پیش به اینسو، بابه بیان دقیقتر از بعد از حملات موسوم به کربلای ۴ و ۵ و شکستهای مفتوح آن که به قربانی شدن دهها هزار جوان بسیجی و سرباز انجامید، روشن شد که متاع "پیروزی های استراتژیستك"،

"پیشرویه‌های مهم در خاك عراق" و "تفہیر سرنوشت جنگ بسود اسلام" دیگر خریداری ندارد و دست معرکه گردانان صحنه جنگ بیش از آن رو شده است که بتوان با چنین دروغ‌هایی کسی را فریفت. بعد از عملیات کربلا در سال گذشته و پس از دوره‌ای فترت که با هو و جنگال تبلیغاتی درباره‌ی "دستاوردهای" این عملیات سیری شد، بحران خلیج فارس و ورود ناوگان‌های آمریکا و متحدانش و همچنین شوری موقتا زمینه‌ای فراهم کرد تا رژیم بتواند نظرها را بسوی این مسئله جدید معطوف کند. در اواسط تابستان ۱۳۶۶، آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت، هر يك بنابه مصالحی و با چشماندازهای متفاوت، قطعنامه معروف ۵۹۸ را با توافق آراء تصویب کردند که طی آن از طرفین درگیر خواسته می‌شد تحت شرایطی به جنگ خاتمه دهند. علل تصویب این قطعنامه و مصالحی که هر يك از قدرتهای بزرگ از تصویب آن در نظر داشته‌اند بطور خلاصه بشرح زیر است:

■ گسترش دامنه جنگ و کشیده شدن آن به خلیج فارس میتواندست مدافع این کشورها را در منطقه‌های حساس بخطر اندازد. کشورهای عربی منطقه خلیج با توجه به شرایط داخلی خود و همچنین عوارض ناشی از پیروزی ایران یا عراق، تمایل به پایان جنگ داشته و دارند.

■ هیات حاکمه‌ی آمریکا بعد از افتخاح ایران گیت و جنگالی که در اطراف آن برپا شد، و همچنین نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری، شدیداً نیاز داشت به سرای تطہیر خود و نشان دادن "قاطعیت" در برابر "مخالفتین" آمریکا حرکتی در جهت کنترل ایران را آغاز کند. این حرکت هسم از نظر داخلی و افکار عمومی رای دهندگان در آمریکا حائز اهمیت بود و هم از جهت سیاست آمریکا در منطقه و پشت گرمی کشورهای دست نشانده‌اش به حمایت‌های وی.

■ شوری نیز که بهر حال ادامه‌ی جنگ را عاملی جهت تحکیم نفوذ آمریکا در خلیج فارس میدانست، طالب ادامه بدون کنترل آن نبود و علیرغم کمک‌های تسلیحاتی به هر دو طرف درگیر در جنگ، به دنبال راه حلی بود تا جنگ بدون پیروزی برای طرفین خاتمه یابد.

بهررو قطعنامه ۵۹۸ تصویب شد و ایران را بر مضمون جدیدی قرارداد. رد قطعنامه بطور قطعی، از یکسو اعضای شورا را در محذور قرار داده و آنها را وادار می‌کرد تا موضعی شدیدتر علیه ایران اتخاذ کنند، و از سوی دیگر رژیم اسلامی را در افکار عمومی جهانیان رژیم جنگ طلب معرفی می‌کرد. اما پذیرفتن قطعنامه نیز از جانب رژیم امکان پذیر نبود، زیرا پذیرفتن مفاد آن در مغایرت با مواضعی بود که رژیم به ضرب تبلیغات کرکننده هفت سال تمام در توجیه ادامه‌ی جنگ عنوان کرده بود. بنابراین راه چاره در برخورد کج دار و مریز، موضعی نه مخالف و نه موافق، بود. تماس‌های مکرر با اعضای شورا و دیپراکل سازمان ملل، توجیه و تفسیرهای گوناگون در مورد دلائل عدم رد قطعنامه و نکات مثبت آن، با تقلیل شرایط ایران

برای پایان جنگ از "محاکمه‌ی رژیم بعث" به "معرفی عراق بعنوان متجاوز" آغاز شد. سردمداران رژیم در نهایت استیصال، اعلام کردند که راه حل سیاسی نیز برای پایان جنگ میده‌اند مطرح باشد. این همه اما برای رژیم عوارضی داشت، عوارضی در داخل، در بین صفوف خودی و امت حزب الله. امت حزب الله که از مدتی قبل از این زمان آثار خستگی از جنگ را بروز داده بود، روزنه‌ی امیدی برای رهاشدگی از جنگ‌ال‌عفریت جنگ میدید و کم‌کم به آن دل می‌بست. "تلاشهای دیپلماتیک" کم‌کم این تصور را در ذهن رزمندگان اسلام تقویت میکرد که فرماندهان دیگر قصد تشدید تحرکات نظامی را ندارند و به تحرکات سیاسی دلخوش کرده‌اند. این گرایش از لحاظ درگیرهای درونی رژیم نیز به تقویت موافقان پایان جنگ می‌انجامید. این همه دست زدن به حرکتی جدید برای نشان دادن تصمیم رژیم برای ادامه‌ی جنگ را ضروری می‌ساخت.

تشکیل شورای عالی پشتیبانی جنگ و فرمانهای چپ و راست آن برای جذب کمک‌های امت اسلام که جزء اساسی آنرا سرکشی کردن خلق الله به طرق مختلف برای تامین مخارج جنگ تشکیل میداد، صرفاً صحنه‌ای از نمایشی غمانگیز به صحنه‌گردانی رژیمی بود که در نهایت استیصال تلاش میکرد، از درهم شکستن نهائی روحیه‌ی هوادارانش جلوگیری کرده و امید به "پیروزی" را در آنها مجدداً زنده کند. این ترفند اما خیلی زود بی‌اثر بودنش را نشان داد. کمکهای مالی از تامین مخارج چند ده هزار "رزمنده" تاکنون فراتر نرفته است. تازه بخش اعظم این کمکها از جانب مؤسسات دولتی و نیمه دولتی و بطور غیرمستقیم از بودجه دولت تامین شده و بخشی دیگر بزور از دستمزد کارگران و کارمندان کسر و یا از کسبه اخاذی شده است. مانورهای نیروهای بسیج نیز که چیزی جز راهپیمائی ساکنین شهرهای مختلف و ثبت نام اجباری از کارمندان و کارگران در لیست های بسیج نبود، آنچنان مفتضحانه انجام شد که خیلی زود سروه آن بهم آورده و پرونده لیست های نیروهای "جان برکف بسیج" به بایگانی های دفاتر سپاه سپرده شد.

با سپری شدن زمستان، تنها فملى که در آن امکان حملات گسترده و طولانى مدت در بخش های جنوبی جبهه امکانپذیر است، و عدم انجام حمله‌ای که انتظار آن میرفت، روشن شد که رژیم مستاصل‌تر از آنست که حاضر باشد برای دلخوش کردن هوادارانش دست به حرکتی مذبحخانه بزند. باین ترتیب یکسال از آخرین حمله گسترده رژیم گذشت بدون آنکه در وضعیت جبهه های جنگ، تغییری روی داده باشد. عملیات کوچکی هم که در سال گذشته عمدتاً در بخش های شمالی جبهه و در منطقه کردستان عراق توسط نیروهای کرد مخالف رژیم عراق که در حال حاضر توسط رژیم اسلامی تجهیز میشوند، انجام شد عملاً در سرنوشت جنگ، تاثیری ندارد. وضعیت جغرافیائی در این منطقه امکان حملات گسترده و پیشروی تعیین کننده برای نیروهای جمهوری اسلامی را غیرممکن می‌سازد. از این رو عملیاتی که در این مناطق انجام میگردد، بیش از آنکه تاثیری در وضعیت جنگ داشته باشد، بیشتر با هدف، گرم

دور جدید جنگ شهرها

از اوائل پائیز سال جاری و بعد از این که روشن شد رژیم به دلائلی که قبلا به آن اشاره شد، قادر به پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ بصورت موجود نیست، تعدد ادای از کشورهای عضو شورای امنیت تلاش برای وارد آوردن فشار بیشتر بر ابراهان بوسرای پایان دادن به جنگ را آغاز کردند. محور این تلاشها طرح قطعنامه تحریم فروش جنگ، افزار به ایران بود. رژیم اسلامی علیرغم اینکه مرتباً تکرار میکند که تصویب چنین قطعنامه‌ای بهیچ وجه تاثیری در توان جنگیش ندارد، ولی کوشش میکند از هر طریق ممکن از تصویب آن جلوگیری کند. اگر چه واقعیت تاریخ دهه‌های اخیر نشان داده است که تحریم‌های تسلیحاتی با وجود بازار گسترده قاچاق اسلحه نمیتواند دست بیک کشور را از تسلیحات بطور کامل کوتاه کند ولی این نیز یک واقعیت است که رژیم‌هایی که با تحریم تسلیحاتی روبرو شده‌اند، با مشکلات جدی در زمینه‌ی تأمین سلاح مواجه بوده‌اند. این امر بویژه در مورد ایران که درگیر مشکلات شدید مالی است صادق است. به همین دلیل تلاشهای رژیم در این مورد تاکنون معطوف به این بوده که تا حد امکان زمان تصویب چنین قطعنامه‌ای را به تعویق اندازد.

شوروی یکی از اعضای دائمی شورای امنیت، با تشخیص معضل ایران، تاکتیکی منافی با تاکتیک آمریکا و متحدانش پیش گرفت و با تعلل در اعلام نظر قطعی خود، تاکنون امتیازات زیادی از ایران گرفته است. این امتیازات هم در رابطه با مسئله افغانستان و هم در زمینه‌ی گسترش روابط اقتصادی با ایران و تحمیل قراردادهای مهم به حکومت آخوندی - مانند قرارداد همکاری در زمینه‌ی کشف و استخراج نفت و گاز در شمال ایران و ایجاد راه آهن سراسری شرق - برای آن کشور دارای اهمیت دراز مدت است.

چین، دیگر عضو دائمی شورای امنیت نیز که تاکنون از فروش اسلحه به ایران سودهای سرشاری برده از تصویب چنین قطعنامه‌ای که میتواند خطر جدی برای درآمدهای ارزی آن باشد رضایت زیادی نداشت. آخرین اخبار در این مورد اما حاکی است که این کشور حاضر شده در برابر دریافت تکنولوژی جدید از آمریکا، از قطعنامه‌ی پیشنهادی این کشور حمایت کند، ولی مشروط به اینکه سایر اعضای شورای امنیت هم با قطعنامه موافق باشند!

رژیم با بهره جستن از تزلزل چین و شوروی در اعلام موافقت با قطعنامه تحریم تسلیحاتی در طول ماههای گذشته، نهایت تلاش خود را بکار برده تا از بهانه به دست حریف، دادن جلوگیری کرده و شرایطی را ایجاد نکند که اعضای شورای راهی جبر تصویب قطعنامه تحریم تسلیحاتی نداشته باشند. تماسهای گسترده‌ی دیپلماتیک برای نشان دادن آمادگی جهت کنار آمدن با شورای امنیت، تاکیدیهای چند باره بر این که ایران قطعنامه ۵۹۸ را رد نکرده، بلکه فقط با ترتیب بندهای آن مخالف است

است ، تلاش برای نشان دادن آمادگی جهت همکاری با دبیر کل سازمان ملل و از همه مهمتر خودداری از حمله‌ای که انتظار آن میرفت ، گوشه‌هایی از این تلاش بوده‌اند . به اینها باید بدون تردید ، يك سلسله تماس‌های پشت پرده را نیز اضافه کرد که تا کنون خبر آنها کمتر به بیرون درز کرده است (۱) . در همین راستا ، رژیم که تا همین چندی پیش برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را متحد عراق و نتیجتاً طرف جنگ با ایران میدانست ، اعلام کرده است که حاضر است از حمله به کشتی‌های با پرچم کشور های عربی خودداری کند و روابطش با این کشورها را گسترش دهد . این کوششها فعلاً این امتیاز را برای رژیم داشته است که تمرد قطعه‌نامه تحریم تسلیحاتی را به تعویق انداخته است . این وضعیت برای عراق مطلوب نیست . از آنجا که تمرد قطعه‌نامه تحریم ، يك پیروزی سیاسی مهم برای رژیم عراق محسوب میشود ، بعد از اینکه روشن شد ، ایران قصد دست زدن به حمله‌ی نظامی را ندارد ، تلاش خود را برای درگیر کردن رژیم ایران و تحريك آن برای آغاز حمله شروع کرد .

عراق که در جنگ، شهرها به دلیل تجهیزات بیشتر از امکانات بهتری برخوردار است ، به تجربه دریافته است که رژیم اسلامی چاره‌ای جز این ندارد که برای حفظ تعادل به دنبال هردور از حملات به شهرها ، دست به حمله‌ای در جبهه‌های جنگ بزنند . بدین ترتیب ، دور جدید جنگ، شهرها ، با توجه به محظورات و مشکلات داخلی رژیم جمهوری اسلامی ، آغاز شد . عراق که از مدتی قبل به سلاحهای جدیدی برای حمله به تهران دست یافته بود ، بدنبال بهانه‌ای برای استفاده از موشکهای دوربرد میگشت . عكس العمل شدید رژیم ایران با شلیك سه موشك بسوی بغداد به دنبال حمله به پالایشگاه تهران بهترین فرصت را برای رژیم بغداد فراهم کرد . حملات به تهران و سایر شهرها با موشك و هواپیما آغاز شد .

حملات موشکی عراق به تهران و كشتر مردم بیدفاع در ابتدا رژیم اسلامی را آنچنان غافلگیر کرد که به حرکت حساب نشده‌ای علیه شوروی دست زد . دانشجویان گوش به فرمان امام امت به جلوی سفارت شوروی گسیل شدند تا با نشان دادن ناراضی رژیم شاید دولت شوروی را وادار به وارد آوردن فشار بر عراق سازند . همسایه‌ی شمالی اما ظاهراً نسبت به این اقدامات رژیم بی تفاوت تر از آنچه میشد برخورد کرد . گرچه گویا فشارهایی بر عراق وارد کرد . این عكس العمل شوروی ، خیلی زود رژیم را واداشت

(۱) از جمله مجله‌ی نیوزویک در هفته‌های اخیر خبر داد که همان "میانمروهایی" که قبلاً در ماجرای ایران گیت با دولت آمریکا ارتباط داشتند ، نمایندگان برای تماس با دولت های اروپایی اعزام کرده‌اند . از قرار در این تماسها ، این نمایندگان تاکید کرده‌اند که در صورتی که عراق آغازگر جنگ، معرفی شود و حاضر به پرداخت غرامت نباشد ، رژیم جمهوری اسلامی آمادگی خاتمه دادن به جنگ است . ولی طبق همان خبر رژیم عراق که از وضعیت وخیم رژیم آخوندی باخبر است ، حاضر به پذیرفتن این شروط نیست .

زبونه انتقاد قبلی را پس بگیرد و پای از گلیم فراتر گذاشته را پس بکشد .
 با وجود فشار زیاد عراق بر رژیم ایران در جنگ، شهرها و عدم تعادل آشکار حملات
 متقابل دو طرف ، سردمداران رژیم اسلامی تاکنون با این امیدواری از درگیری در
 جبهه ها خودداری کرده اند که از وخیم تر شدن وضعیت در اثر افزایش فشار شورای امنیت
 جلوگیری کنند . اما علیرغم اینکه رژیم اسلامی تاکنون موفق شده با دست زدن به
 انواع ترفندها ، با دادن امتیازات زیاد به برخی اعضای شورا از تمویب قطعنامه
 تحریم تسلیحاتی جلوگیری کند ، این مسئله تاثیری بر وضعیت اسف بار آن نداشته
 است و معضل جنگد کماکان لاینحل مانده است .

مشکلات رژیم

بی نتیجه بودن حملات در جبهه ها که برای گردانندگان رژیم از مدتی پیش
 آشکار شده بود اکنون بقدری عیان شده که رژیم دیگر حتی کوششی برای پنهان داشتن
 آن نیز نمیکند . عدم انجام حمله در یکسال گذشته که با پایان فصل زمستان و آغاز
 شرایط نامساعد جوی در بخش های جنوبی جبهه های جنگ ، یعنی تنها بخشی از
 جبهه که امکان حمله گسترده به خطوط عراق در آن وجود دارد ، دست زدن به چنین
 حمله ای را با اجبار برای یکسال دیگر به تعویق خواهد انداخت . این تعویق
 طولانی ، بدون اینکه توجیهی حزب الله پسند برای آن وجود داشته باشد ، بدون
 شک دست رژیم را نزد هوادارانش بیش از پیش رو خواهد کرد این روند برای رژیم
 اسلامی که ادعای پیروزی بر ابر قدرتها را دارد ، طبعاً نه تنها مطلوب نیست ،
 بلکه تلویحاً به معنای شکست در جنگ، با رژیمی است که سالهاست سرنگونی قریب
 الوقوع آن نوید داده شده است . به همین خاطر بعید نیست که رژیم برای ساکت
 کردن اعتراضات ، حمله ای را در روزهای آتی سرهم بندی کند .

فشارهای بین المللی بر رژیم همچنان ادامه دارد . تاکتیک های رژیم برای خنثی
 کردن این فشارها تاکنون فقط تاثیر موقت داشته و به نتیجه رسیدن آنها را به تعویق
 انداخته است .

وضعیت اقتصادی رژیم کماکان بشدت نابسامان است و با کاهش شدید درآمدهای
 ارزی در سالهای اخیر که بسبب کاهش قیمت نفت و کاهش بهای دلار و همچنین
 محدود شدن سهمیه صدور نفت ایران حاصل شده ، ابعاد وخیمی یافته است . رژیم
 ولی کماکان مجبور است برای حفظ وضعیت موجود جنگ و انجام همین عملیات
 محدود در جبهه ها ، هر ساله بودجه هنگفتی را به جنگ اختصاص دهد . تخصیص بودجه
 ریالی و ارزی برای جنگ حتی بدون در نظر گرفتن ویرانیهای ناشی از جنگ که فعلاً
 بحال خود رها شده و برنامه ای برای ترمیم و بازسازی آن پیش بینی نشده ، بصورت
 يك مشکل بزرگ برای رژیم درآمده و بار کسری بودجه و عوارض تورم زای آنرا گسترش
 بی سابقه داده است . در جریان بحثهای لایحه ی بودجه در مجلس آخوندی ، برخی
 از نمایندگان دست پرورده رژیم اعتراض کردند که سال ۶۷ از نظر میزان تورم به

دلیل کسری عظیم بودجه ، توقف فعالیتهای عمرانی و کاهش درآمدهای دولت به علت رکود شدید فعالیتهای اقتصادی ، بدترین سال در دهه اخیر خواهد بود .

مشکلاتی که در سطور فوق به آن اشاره شد ، بی سرانجامی و عبت بودن جنگدراکه رژیم هفت و نهم سال است طبل آنرا کوبیده ، بیش از پیش آشکار میکند . جنگی که هم اکنون تنها انگیزه‌ی ادامگی آن ، حفظ موقت پایه‌های رژیم و نجات آن از سقوط محتوم است .

اما رژیم اسلامی ، برای حل این معضل چه برنامه‌ای دارد ؟ هیچ . واقعیت اینست که رژیم از مدتی پیش هرگونه برنامه‌ریزی دراز مدت در ارتباط با جنگدراکنار گذاشته و سیاست هایش را بدون آینده نگری و بطور روزمره تعیین میکند . این امر بویژه در عکس العمل هایش در برابر حوادث مختلف ، تصمیمات عجولانه و حساب نشده و عقب نشینی های مفتضحانه کاملاً آشکار است .

رژیم عملاً در وضعیتی گرفتار آمده که نه راه پیش دارد و نه پس و از ادامگی جنگ . خاندان برانداز کنونی نه تنها طرفی نخواهد بست ، بلکه روز بروز بیشتر در چاه و بل آن فرو خواهد رفت . عقب نشینی و اعتراف به شکست و پذیرفتن صلح و پایان جنگد نیز ، به نوعی خودکشی است . هر دو این "راه حلها" عواقب و عوارضی در پی خواهند داشت که میتوانند بنیان حاکمیت را با خطر جدی روبرو سازند . "راه حلی" که فعلاً رژیم پیدا کرده "استراتژی" بمنفع و بنه میخ زدن ، ادامه شمار توخالی " جنگ . جنگ . تا پیروزی" و چشم و ابرو نشان دادن به تلاشهای بین المللی برای پایان جنگ است . رژیم کوشش میکند شرایطی را برای آنقدر ادامه دهد تا شاید مفری پیدا شود .

"راه حل" محتمل دیگر اینست که رژیم کوشش کند با تشدید ممنوعی معضلاتی و با ترashedن دشمنان جدید برای "انقلاب اسلامی" توجه را از جنگد به سوی مسائل دیگر معطوف سازد ، و شرایط مطلوب برای زدوبندهای پشت پرده را فراهم سازد . انتخابات فرمایشی مجلس در هفته های آینده ، زمینه‌ی مساعدی برای اجرای این پرده جدید خواهد بود . این انتخابات که نتیجه‌ی آن با مقدماتی که از مدت‌ها پیش فراهم شده از هم اکنون روشن است ، میتواند تا حدودی در تعیین تکلیف قدرت جناح های درون رژیم موثر باشد و به جناح را تا حدودی از صحنه‌ی مجلس بدر کند . انتصاب محتشمی به سمت وزیر کشور ، و تشدید اقدامات او در ماه های اخیر برای انتصاب افراد مورد اعتماد جناح موسوی در راس پست های حساس در استان های مختلف و بی اعتبار شدن شورای نگهبان بدنبال حکم خمینی که در تقلیل نقش آن در انتخابات بعنوان ارگان کنترل کننده نیز بلاشک موثر خواهد بود ، زمینه را برای "پیروزی" باندهای طرفدار موسوی - رفسنجانی - خویشی ها در انتخابات فراهم کرده و بنظر می‌رسد که تلاشهای سرسختانه باندهای دیگر حاکمیت (رسالت ، روحانیت ، مبارز تهران ، حوزه علمیه قم و غیره) بتواند در تغییر این نتیجه موثر باشد . با حاد شدن تنگناهای اقتصادی و امکان بروز اعتراضات گسترده ، خمینی بسا

فرمانی از شورای نگهبان سلب اختیار نمود و ارگان جدیدی را برای "تشخیص مصالح حکومتی" منصوب کرد. ترکیب این مجمع نشان میدهد که رژیم شدیداً نیازمند انجام رفرم‌های نیم‌بند و ایجاد سروصدا دربارهای آن برای فریب توجه‌های ناراضی است و احتمالاً بعد از انتخابات و روشن شدن نتیجه قطعی آن اقدامات بیشتری در این جهت انجام خواهد داد. اما کجاست که نداید وضعیت بحرانی کنونی که مسئولیت آن تماماً بمعهدی رژیم بی کفایت و جنایتکار خمینی است، با چنین اقداماتی بهبود نمی‌یابد. حداکثر تاثیر چنین سیاست‌های ناشیانه‌ای فریب موقتی و کوتاه مدت خواهد بود.

عکس العمل توده‌ای مردم در مقابل جنگ شهرها

آغاز مجدد جنگ شهرها و پایان مرحله اول آن در روز ۲۲ اسفند نظاً هر ابرام پیش نهادم جامع بین المللی و دولت ترکیه که رژیم ایران سراسیمه از آن استقبال کرده و باتن دادن به شرایط قلدرمندانهای رژیم عراق، به آن پایان داد، در عین حال نمونه بارزی از روحیه مردم در برابر سیاست جنگ طلبانه رژیم اسلامی را به نمایش گذارد.

رژیم این بار برخلاف دوره‌های گذشته جنگ شهرها، که بزور به انواع حیسل از خروج مردم از شهرهای زیر حملات عراق جلوگیری میکرد، در نهایت استیصال نمتهای از خروج مردم جلوگیری نکرد، بلکه با تعطیل کلیه مدارس و دانشگاهها و آموزشگاههای خصوصی و نادیده گرفتن عدم حضور بسیاری از کارمندان ادارات، از ترس خشم مردم خسته از جنگ، زمینه را برای خروج مردم از تهران هم فراهم کرد. رسانه‌های رژیم نیز در حالیکه دائماً از "مقاومت دلاورانه" امت در برابر موشکهای عراقی دم میزدند، برای اولین بار به انعکاس اخباری در مورد خروج مردم از تهران و پندش بردن آنان به زیرزمین‌های ساختمانهای مرتفع پرداختند. بعلاوه رژیم نهایت کوشش خود را بکار برد تا از ایجاد درگیری بین نیروهای سرکوب و مردم بخشم آمده جلوگیری کند. از همین رو مسئولیت حفاظت از نقاط تخریب شده را بجای اراذل کمبته چی به شهربانی و پلیس سپرد. با این وجود حداقل در سه مورد درگیری‌های شدیدی بین مردم و عناصر رژیم در خیابان شهرستانی (ضلع جنوب شرقی میدان امام حسین)، خیابان‌های خراسان و وحیدیه بوقوع پیوست. درگیرها در این نقاط زمانی آغاز شد که بعد از اصابت موشك، مزدوران رژیم در محل حاضر شده و قصد داشتند به شعار دادن به نفع جنگ و رژیم بپردازند، که با عکس العمل شدید مردم محل روبرو شدند. در خیابان شهرستانی، که بر اثر اصابت موشك در ساعات شلوغ صبح تعداد کثیری از اهالی محل و رهگذران به قتل رسیده یا مجروح شده بودند، این درگیری به حدی بالا گرفت که پلیس محل را ترك کرده و نیروهای سرکوب کمبته خود را به محل درگیری رساندند و در نتیجه شلیك آنان تعدادی از مردم مجروح شدند. در این حادثه بمحسفی با لا گرفتن درگیری، ماموران کمبته بلافاصله محل را ترك کردند.

تجربه ماه‌های اخیر نشان داده است که رژیم بشدت از درگیری رودررو با توده

های مردم وحشت داشته و هر بار که با اعتراضات گسترده مردم روبرو شده ، عصبانیت نشینی کرده است . حوادث افسریه و کوی سبزه آبان ، اعتراضات تماشاچیها ، فونیکال استادیوم آزادی و دانش آموزان شرکت کننده در مسابقه ی دو و موارد دیگر در سالهای اخیر نشاندهنده ی این نحوه ی برخورد رژیم است . رژیم جنایتکار خمینی علیه غم اینک در آدم کشی و جنایت روی سهاکارترین جنایتکاران تاریخ را سفید کرده است ، بخوبی میداند که در برابر مقاومت گسترده و توده های مردم بسیاری مقاومت ندارد و ترجیح میدهد که از چنین رودررویی هاشی حتی الامکان پرهیز کند . این تجربه زمینه ی مساعدی را برای سازماندهی و تشدید اعتراضات توده ی فراهم می کند .

استعمال رژیم برای حل مشکلاتش چه در زمینه ی جنگ ، که در راس این مشکلات قرار دارد و چه در سایر زمینه های اقتصادی و سیاسی ، شرایط مناسبی را برای گسترش اعتراضات فراهم کرده است .

با گسترش تبلیغات علیه رژیم ، باید مردم را ترغیب کرد به درخواستهای رژیم جهت کمال به جنگ و شرکت در آن پاسخ منفی داده و عملاً با سیاست های جنایتکارانه آن به مخالفت برخیزند . هر مقدار کمک مالی به رژیم تحت هر توجیهی ، هر پاسخی مثبت به شرکت در جنگ و هر اعلام موافقتی با سیاستهای سرکوبگرانه ی آن ، کمک مستقیم به جنایت و سرکوب و استثمار و خیانت به آرمان و منافع ملیونها تسوده زحمتکش ایرانی است .

علیه جنگ جنایتکارانه دورژیم ارتجاعی ایران و عراق

پیاخیزیم

رفقا!

سازمان ما برای پیشبرد مبارزات خود نیاز مبرم به کمکهای مالی کلیه هواداران و خوانندگان نشریه دارد . کمکهای مالی خود را در هر کجا که هستید و از هر طریق که می توانید در اختیار سازمان قرار دهید .



رهائی

منتشر
شده

۱- آمریکا هیچ غلطی نمیخواهد بکند!

صف بندی نیروها در بحران خلیج فارس

۲- چرا به کمونیسم ایمان نداریم!

تعمقی نقادانه در شیوه های تفکر

نشریه

سازمان وحدت کمونیستی

دوره سوم شماره ۱۳

آذرماه ۱۳۶۶

دو توضیح در مورد ارتباط با کمیته خارج از کشور:

۱- تا کنون در چند مورد، نامه‌هایی به آدرس باشکی ارسال شده و در نتیجه با تاخیر فراوان بدست ما رسیده است. خواهشمند است، در هنگام ارسال نامه‌ها، از آدرس پستی استفاده کنید.

۲- آدرس پستی ما در سوئیس تغییر یافته است. تا اطلاع ثانوی، صرفاً با آدرس زیر تماس بگیرید:

ALIAS
Postfach 396
1060 Wien
AUSTRIA



مموطنان مبارز

ادامه مبارزه سازمان با رژیم قرون وسطائی و وحشی خمینی و تهیه امکانات لازم جهت تداوم این مبارزه، جز با یاری و همکاری تک تک شما امکان‌پذیر نخواهد بود. مطمئن باشید که کمک‌های مالی‌تان، هر قدر هم ناچیز باشد در رفع تنگناها و مشکلات مبارزاتی این رفقا نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت. کمک‌های مالی خود را به آدرس باشکی زیر ارسال دارید.

CREDITANSTALT
6020 21 27837
SCHOTTENGASSE 6
1011 WIEN
AUSTRIA



رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

دوره سوم، نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۶۶، ضمیمه شماره ۱۲

چاپ اول، ایران در قطع رقعی

چاپ دوم، خارج از کشور، اردیبهشت ماه ۱۳۶۷

I.S.F.

BOX 88

172 23 SUNDBYBERG

SWEDEN

I.S.G

POSTFACH 31.11

3400 GÖTTINGEN

WEST GERMANY

بها معادل ۱ مارک آلمان غربی

بلا تکثیر از

مواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا